

ژئوپولیتیک انتقال گاز ایران به هند؛ فرصت‌ها و تهدیدها

مراد کاویانی‌راد

تاریخ ارائه: ۱۳۸۴/۱۲/۵

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۱/۲۰

چکیده

ژئوپولیتیک گاز، فصل نوینی از روابط بین‌الملل را گشوده که در آن کانون‌های تولید، مصرف و مسیر انتقال انرژی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای اثر گذار نیز لحاظ می‌شود. ایران در مقام دومین دارنده ذخایر گازی جهان، در صورت تدوین یک دستور کار مبتنی بر ژئوپولیتیک می‌تواند در حوزه انرژی اثر بسزایی در مناسبات استراتژیک جهانی گذارده و ارزش برقراری مناسبات راهبردی پیدا کند. در این میان قدرت هژمون، همه تلاش خود را برای مدیریت امور منطقه خلیج فارس به کار بسته و هر کدام از واحدهای سیاسی منطقه‌ای که موضع تقابلی با قدرت هژمون داشته باشند، زیر فشار قرار خواهند گرفت. شواهد کنونی نیز نشانگر آنند که ایران صرفاً در محیط بین‌المللی غیررقابتی برای قدرت‌های غیرهژمون ارزشمند است. نیاز فزاینده هند در مقام قدرتی غیرهژمون به انرژی گاز، فرصتی استراتژیک در اختیار ایران قرار داده؛ اما مؤلفه‌های متعدد (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) انتقال گاز ایران را به این کشور به چالش کشانده است. نویسنده بر این باور است که ایران در صورت تدوین دستور کاری مبتنی بر موقعیت ژئوپولیتیک می‌تواند منافع ملی خویش را در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود تأمین نماید.

کلیدواژه‌ها: گاز، خلیج فارس، هند، انتقال انرژی، بازدارنده‌ها

مقدمه

بنیاد توسعه صنعتی سده بیست و یکم بر انرژی گاز است. بزرگترین کانون‌های مصرف انرژی جهان، مناطق توسعه یافته با نرخ رشد بالای اقتصادی‌اند. از این رو، صنعت با مواد هیدروکربنی (نفت و گاز) پیوند ناگسسته‌ای داشته است. این پیوند اساس قدرت در سده بیستم و بیست و یکم را تشکیل می‌دهد. بنابراین در مناسبات قدرت آینده در روابط بین‌الملل، چیرگی بر کانون‌های تولید منابع هیدروکربنی به ویژه گاز و مسیر انتقال آنها، بنیاد بسیاری از کوشش‌های امروزی و واحدهای سیاسی را تشکیل می‌دهد. برای نمونه اقدام روسیه در بستن لوله‌های انتقال گاز به اوکراین در فصل زمستان در آستانه سال نو میلادی آن هم با اهداف کاملاً سیاسی، نقطه عطفی در مناسبات راهبردی انرژی به حساب می‌آید.

در خاورمیانه نیز دسترسی و چیرگی بر منابع و مسیر انتقال گاز خلیج فارس در آینده نزدیک، اساس بسیاری از مناسبات ژئواکونومیک منطقه را تشکیل خواهد داد. در نتیجه کشمکش‌های واحدهای سیاسی اثرگذار در مناسبات جهانی در این منطقه قابل توجه خواهد بود. کشور ایران به واسطه موقعیت بی‌همتای ژئوپولیتیک، ظرفیت‌های بالای ژئواکونومیک و برخورداری از منابع عظیم گازی به ویژه در کرانه‌های خلیج فارس، توان اثرگذاری بالایی در امنیت جهانی در حوزه انرژی دارد. چنین شاخصه‌هایی با توجه به راهبردهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در قالب فرصت و تهدید نمود یابد.

الف. تمهیدات نظری

امروزه استراتژیست‌ها، مناطق استراتژیک را بر پایه میزان تولید ناخالص ملی^۱ و منابع انسانی و طبیعی سطح‌بندی راهبردی می‌کنند. در سده بیست و یکم معیار قدرت، توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید و نیز عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است و مناطق ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، مناطقی هستند که از منابع سرشار طبیعی برخوردار بوده و تولید ناخالص ملی چشمگیری دارند. گستره جغرافیایی خاورمیانه به ویژه منطقه خلیج فارس به علت در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، نقش

ژئواکونومیک ویژه‌ای در سده بیست‌ویکم ایفا خواهد کرد. از این‌رو در مناسبات ژئوپولیتیک قدرت‌های جهانی، چیرگی بر مناسبات ژئواکونومیک واحدهای سیاسی منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دستور کار جهانی آنان قرار دارد. در این میان، قدرت هژمون همه تلاش خود را برای مدیریت امور منطقه خلیج فارس به کار خواهد بست و با توجه به شاخصه‌های ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک خلیج فارس، واحدهای منطقه‌ای که موضع تقابلی با هژمون دارند؛ زیر فشار قرار خواهند گرفت. (۱)

بنیاد مقاله حاضر بر تحلیل مناسبات ژئواکونومیک ایران به عنوان مؤثرترین واحد سیاسی خلیج فارس در حوزه انرژی به‌ویژه گاز، با قدرت‌های فرامنطقه‌ای آسیایی نظیر چین و هند و نیز قدرت فرامنطقه‌ای اتحادیه اروپا و قدرت هژمون ایالات متحده قرار دارد. در این نوشتار نخست جایگاه گاز در مناسبات اقتصادی و تکنولوژیک بررسی شده و سپس مناسبات ایران در حوزه سیاست خارجی در عرصه انرژی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مداخله‌گر در این حوزه تحلیل خواهد شد.

۱. ژئوپولیتیک گاز طبیعی

در آغاز سده بیست‌ویکم، گاز طبیعی پرکاربردترین انرژی مصرفی اولیه جهان است. گاز طبیعی از جمله انرژی‌های پاک است که پیامدهای منفی زیست‌محیطی اندکی دارد؛ زیرا دی‌اکسید گوگرد، دی‌اکسید کربن و ذرات جامد کم‌تری نسبت به نفت یا زغال سنگ تولید و منتشر می‌کند. گاز طبیعی با ویژگی‌های طبیعی در سازگاری با محیط زیست، کاهش آلودگی هوا و انتشار کمتر گازهای آلاینده از جمله آن دسته از حامل‌های انرژی است که در سال‌های آینده از بالاترین رشد تقاضا برخوردار خواهد بود. گاز طبیعی مایع^۱ LNG از جمله همین منابع می‌باشد که به واسطه ویژگی‌های فوق، مورد توجه قرار گرفته است. بررسی روند سهم انواع انرژی طبق مطالعه دبیرخانه اوپک بیانگر کاهش تمامی حامل‌های انرژی به نفع سهم گاز می‌باشد (۲). پیش‌بینی می‌شود گاز طبیعی که در شرایط کنونی رو به رشدترین منبع اولیه انرژی است، در میانه سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۵، ۷۰ درصد افزایش مصرف داشته باشد که

بیشترین میزان افزایش تقاضا نیز در کشورهای در حال توسعه با حدود ۲/۹ درصد و عمدتاً در بخش افزایش تولید برق خواهد بود. بر اساس همین مطالعه، مصرف جهانی گاز طبیعی در دوره زمانی مذکور به طور میانگین هر ساله ۲/۲ درصد رشد دارد که در سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۵۱ تریلیون فوت مکعب خواهد رسید.

رشد مصرف گاز طبیعی در میانه سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ حدود ۱/۸ درصد بوده که بالاترین حد رشد آن ۱۳ تریلیون فوت مکعب مربوط به آمریکای شمالی است. (۳) مهمتر آنکه به رغم ۲۳ تریلیون مترمکعب گاز تولیدی طی چند سال گذشته، ذخایر ثابت‌شده گاز در دنیا تا ۳۱ درصد افزایش یافته است. به سخن دیگر با حدود ۱۴۶/۴۳ تریلیون مترمکعب ذخایر قطعی گاز، دنیا به مدت ۶۲ سال گاز کافی برای تولید با نرخ کنونی دارد. (۴) هزینه مصرف گاز بیش از ۲۰ درصد کمتر از هزینه مصرف نفت و دیگر منابع انرژی است که بهای آن نیز به قیمت نفت خام بستگی دارد.

رویدادهای دهه نخست سده بیست‌ویکم در گستره مناسبات انرژی، نمایانگر آن است که در عرصه مناسبات بین‌المللی، بازی ژئوپولیتیک انرژی روندی راهبردی می‌یابد. اقدام اخیر روسیه در قطع لوله‌های گاز اوکراین و پیشنهاد بهای چند برابر قیمت گذشته (از ۵۰ دلار برای هر هزار متر مکعب به ۲۳۰ دلار در ماه آوریل)، نشان داد که دارندگان منابع گازی از این امکان برخوردارند که هرگاه اراده کردند به تهدید کانون‌های مصرف گاز بپردازند و از دیگر سو زنگ خطر را برای مصرف‌کنندگان بزرگ جهانی به صدا درآورند. از چنین منظری است که مطالعه کانون‌های سیاسی مرتبط با مقوله گاز رویکردی ژئوپولیتیک می‌یابد.

۲. پیمان کیوتو

چنانکه گفته شد، یکی از اساسی‌ترین دلایل اقبال به گاز طبیعی، تمیزی و پیامدهای اندک منفی زیست‌محیطی آن نسبت به دیگر سوخت‌های فسیلی است. مصرف بالای سوخت‌های با منشأ فسیلی، هستی انسان و اجتماعات انسانی و جانوری را با خطر نابودی مواجه ساخته است. این نگرانی‌ها در نهایت به شکل‌گیری پیمان کیوتو در سال ۱۹۹۷ منجر شد.

غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو زمین به بیشترین مقدار خود طی ششصد و پنجاه سال گذشته رسیده است. (۵) فعالیت‌های انسان در دوره صنعتی باعث شده تا مقدار زیادی سوخت فسیلی آزاد و گازهای گلخانه‌ای بسیاری خارج از چرخه طبیعی وارد جو شوند. تغییرات جوی متأثر از انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرم‌شدن کره زمین و تحولات اقلیمی مرتبط با آن با توجه به الگوی مصرف انرژی در جهان در خصوص سوخت‌های فسیلی به پیمان کیوتو منجر شد. در سال ۱۹۹۷ در شهر کیوتو ژاپن کنفرانسی با محوریت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با حضور ۸۰ کشور برگزار شد. بنیاد پیمان برآمده از این کنفرانس بر کاهش ۸ درصدی گازهای گلخانه‌ای قرار گرفت. اجرای این پیمان از سوی کشورهای توسعه‌یافته سبب خواهد شد که در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، میزان مشخصی از گازهای گلخانه‌ای با منشأ فسیلی (نفت و ذغال سنگ) کاسته شود.

۳. مناطق گازی جهان

ذخایر تثبیت‌شده گاز طبیعی کره زمین در سال ۱۹۹۸ حدود ۱۴۶/۴۳ تریلیون متر مکعب گزارش شده است. (۶) در این میان کشورهای CIS یا همسود به ویژه روسیه با ۴۸ تریلیون متر مکعب (۲۹/۶ درصد از ذخایر گاز جهان)، در جایگاه نخستین تولیدکننده گاز (۷)، و کشورهای منطقه خلیج فارس با ۴۹/۵، ایالات متحده با ۵/۱۹، الجزایر با ۴/۵۲، نیجریه با ۴/۵۲ و ونزوئلا با ۴/۱۹ تریلیون متر مکعب، بیشترین منابع گازی جهان را دارا می‌باشند. (۸)

۴. منابع گاز طبیعی ایران

ایران با داشتن ۲۸ تریلیون مترمکعب، ۱۸ درصد ذخیره ثابت‌شده گاز جهان را در اختیار دارد و از این‌رو دومین دارنده منابع گازی جهان به شمار می‌رود. (۹) بیشتر منابع گازی این کشور در نواحی جنوب یا به عبارت دیگر در کرانه خلیج فارس قرار دارند. از نظر بازار داخلی، میان کانون‌های عمده مصرف و مراکز تولید این کشور موانع جغرافیایی عمده‌ای نظیر فاصله و کوهستانی‌بودن گستره عمده‌ای از کشور، هزینه حمل و نقل را با توجه به فرسودگی فناوری انتقال انرژی افزایش داده است. ایران به دلیل نیاز به درآمد‌های گازی، مصرف بالا و

تأمین تقاضای فزاینده گاز، به شدت به دنبال توسعه بازارهای صادراتی است که در این میان بازارهای نوظهور آسیای جنوبی و شرق آسیا اهداف مناسبی برای ایران به شمار می‌روند. همچنانکه اشاره شد، عمده منابع گازی ایران در کرانه خلیج فارس قرار دارند که بزرگترین آنها منطقه گازی پارس جنوبی است. ایران در این منطقه سرمایه‌گذاری سنگینی به میزان ۲۰ میلیارد دلار (۱۰) با جهت‌گیری صادراتی به کشورهای جنوب آسیا به ویژه هند و پاکستان به عمل آورده است.

۵. منطقه گازی پارس جنوبی

منطقه گازی پارس جنوبی، یکی از بزرگترین منابع گازی جهان است که در مرز مشترک آبی ایران و قطر در خلیج فارس و به فاصله ۱۰۰ کیلومتری ساحل جنوبی ایران قرار دارد. کشور قطر از سال ۱۳۶۷ به توسعه مخزن گازی خود معروف به گنبد شمالی پرداخته که هم اکنون چند فاز آن در حال بهره‌برداری است. قطر با ذخایر اثبات شده ۲۵ تریلیون متر مکعب (۱۴/۴ درصد کل ذخایر گاز طبیعی جهان) پس از کشورهای روسیه و ایران در رتبه سوم جهانی جای گرفته و قسمت اعظم ذخایر گاز طبیعی این کشور در گنبد شمالی که بزرگترین حوزه گازی شناخته شده جهان و مشترک با میدان گازی پارس جنوبی ایران است، قرار دارد. اهمیت گاز برای این کشور به اندازه‌ای راهبردی است که مسئولان دولتی قطر معتقدند آینده اقتصاد آن کشور به توسعه میادین گازی وابسته است. (۱۱)

مساحت کل میدان گازی مذکور ۹۴۰۰ کیلومتر مربع است که منطقه متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره این بخش از گاز ایران ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۹ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخایر گاز کشور را شامل می‌شود. به منظور استخراج ۶۲۵ میلیون متر مکعب گاز در روز، توسعه ۲۲ فاز از این میدان برنامه‌ریزی شده است. توسعه میدان گازی پارس جنوبی به منظور تأمین تقاضای رو به رشد گاز طبیعی در ارتباط با مصارف خانگی و صنایع، تزریق به میادین نفتی، صادرات گاز و میعانات گازی، خوراک پالایشگاه و پتروشیمی صورت می‌پذیرد. (۱۲)

همچنین میدان گازی پارس جنوبی مقادیر فراوانی میعانات گازی دارد که بازارهای صادراتی خوبی برای آنها به وجود آمده است. برآورد می‌شود که ذخایر میعانات گازی این میدان حدود ۳ میلیارد بشکه باشد که بدین ترتیب در صورت توسعه کامل آن، ایران قادر به صدور روزانه یک میلیون بشکه میعانات گازی است. مدت زمان تکمیل این پروژه عظیم ۲۵ سال پیش‌بینی شده است. عنوان پایتخت صنعتی ایران که برای این منطقه در نظر گرفته شده، نشان می‌دهد که بخش گسترده‌ای از حرکت اقتصادی کشور بر مبنای تحول در این منطقه شکل خواهد گرفت. (۱۳)

۶. کانون‌های مصرف گاز پارس جنوبی

جهت‌گیری سرمایه‌گذاری سنگین ایران در منطقه گازی پارس جنوبی که بزرگترین منبع گاز کشور به شمار می‌رود، نوعی رقابت با شریک قطری و نیز تأمین گاز کشورهای جنوب شرق و جنوب آسیا (به ویژه دو کشور هند و پاکستان) است. ایران ادعا می‌کند که شریک قطری‌اش ذخایر این میدان گازی را غیرمنصفانه استخراج کرده که در نتیجه آن سهم گاز ایران به سمت قطر سوق می‌یابد، هرچند قطر، تعلل ایران در اجرای طرح‌های توسعه پارس جنوبی را به عنوان دلیل این امر قلمداد کرده است. (۱۴) این کشور طی سال‌های گذشته، اقدامات گسترده‌ای در راستای بازاریابی تولیدی گاز گنبد شمالی به عمل آورده که از آن جمله می‌توان به پروژه بزرگ احداث خط لوله گاز بین کشورهای قطر، امارات متحده عربی، عمان و نیز احتمال ارتباط آن به پاکستان، تأمین گاز وارداتی کشورهای چین، هند و ژاپن اشاره کرد.

چنانکه گفته شد، جهت‌گیری صادرات گاز از طریق خط لوله به هند است. بنا به آمار موجود منابع سرشار گاز ایران می‌تواند نیازهای گازی هند و پاکستان را در ۲۰۰ سال آینده تأمین کند. میدان گازی پارس جنوبی در مقام یکی از بزرگترین میادین گازی جهان در مرکز خلیج فارس از بعد مسافت نزدیکترین میدان گازی مهم به شبه‌قاره هند محسوب می‌شود که ذخایر آن نزدیک به ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز است که حدود ۵۰ درصد ذخایر گازی ایران را تشکیل می‌دهد. حجم مایعات گازی این میدان نیز بالغ بر ۱۸ میلیارد بشکه برآورد شده است. با توجه به ظرفیت مخزن و مطالعات مهندسی برای توسعه این میدان، تا کنون ۲۵ فاز پیش‌بینی

شده است. (۱۵) با عنایت به نیازهای مالی ایران در تأمین ذخیره ارزی و نیز تداوم رشد اقتصادی در جنوب و جنوب شرق آسیا، نوعی رقابت میان کشورهای دارنده ذخایر گازی و کشورهای نیازمند آن به وجود آمده است. در ادامه این مقاله به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی مؤثر در انتقال گاز ایران به شبه قاره می‌پردازیم.

ب. واحدهای سیاسی مسیر انتقال انرژی

۱. هند

کشور هند به عنوان مقصد و کانون اصلی انتقال گاز ایران به شرق در مقام چهارمین قدرت اقتصادی آسیا، ۷۵ درصد انرژی مصرفی صنایع خود را از خارج تهیه می‌کند. این کشور قصد دارد تا ۲۰ سال آینده گاز را جایگزین سوخت‌هایی نظیر زغال سنگ، نفت و مانند آن در تأسیسات بزرگ صنعتی کند تا از یک سو انرژی ارزان‌تری مصرف شود و از دیگر سو محیط زیست را کمتر آلوده نماید. میزان تولید گاز روزانه هند ۷۴ میلیون متر مکعب است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ میزان تقاضای گاز روزانه هند به ۳۲۲ میلیون متر مکعب در روز برسد. (۱۶) شرایط سیاسی حاکم بر کشورهای خلیج فارس و نقش‌آفرینی قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در نظام منطقه‌ای آن، هند را بر آن داشته تا به کانونهای تولید سوخت مورد نیاز خود تنوع بخشد.

با توجه به رشد توسعه اقتصادی هند و عدم تناسب میان نیاز و منابع گازی، این کشور به ناچار باید عمده انرژی مورد نیاز را از خارج تأمین کند. اقتصاد در حال توسعه هند در سال ۲۰۵۰ روزانه به ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز احتیاج خواهد داشت. این رقم در حال حاضر ۹۰ میلیون متر مکعب است. با توجه به کاهش ذخایر نفتی این کشور، هند خواستار راه حل‌های سریع به منظور تأمین نیازمندی‌های خود می‌باشد.

این کشور به رغم نیاز شدید به منابع گازی از امتیاز انتخاب برخوردار است. هند در حال بررسی سه مسیر احتمالی برای تأمین نیاز فزاینده خود به گاز است که عبارتند از:

میانمار - بنگلادش، ترکمنستان - افغانستان - پاکستان و ایران - پاکستان.

توضیح اینکه منابع گازی میانمار به اندازه‌ای نیست که ارزش سرمایه‌گذاری هنگفت داشته باشد. مسیر دوم از بعد امنیتی با چالش‌های اساسی مواجه است که در بخش‌های بعدی بیشتر به آن پرداخته می‌شود؛ اما مسیر سوم از بعد امنیتی و اقتصادی به صرفه‌تر از دیگر مسیرهاست. دیگر آنکه صرف نظر از مشکلات تکنیکی انتقال گاز قطر، از بعد اقتصادی واردات گاز از این کشور به جنوب آسیا، پانزده درصد گرانتر از گاز ایران تمام می‌شود. این وضعیت در مورد ترکمنستان به مراتب پرهزینه‌تر است؛ زیرا گاز ترکمنستان در قیاس با گاز ایران برای هند ۲۰ درصد گران‌تر تمام خواهد شد. علاوه بر آن منابع گازی این کشور چندان قابل اتکا نیست.

از طرف دیگر حجم منابع گازی ایران با منابع این دو کشور قابل مقایسه نیست و از بعد امنیتی نیز برای پاکستان و هند امن‌تر از دیگر منابع است. هرچند قطر منابع گازی قابل اتکایی دارد؛ اما ظرفیت‌های تولید و فروش گاز آن تا سال ۲۰۱۷ پر بوده و این کشور به سختی قادر است تعهد جدیدی را در قبال مشتریان خارجی پذیرا شود. بنابراین مطمئن‌ترین و طبیعی‌ترین منبع تأمین این نیاز ایران است.

ایران در مقام دومین کشور برخوردار از منابع گاز، رایزنی‌هایی را برای فروش گاز از طریق لوله به هند آغاز کرده است. خطوط لوله مذکور از میدان گازی پارس جنوبی در جنوب ایران آغاز و سپس وارد پاکستان شده و با گذر از ایالت گجرات در نهایت به شبکه سراسری گاز هند می‌پیوندد. (۱۷)

تجارت گاز طبیعی میان هند، ایران و پاکستان با در نظر گرفتن واقعیات ژئوپولیتیک، بر کل خاورمیانه و آسیا تأثیر سازنده‌ای خواهد داشت. بر اساس مذاکرات به عمل آمده میان این سه کشور پیش‌بینی می‌شود پروژه مذکور تا سال ۲۰۱۰ به اتمام برسد. همچنین هند پیشنهاد کرده است تا این خط لوله در ابتدا و در نخستین سال فعالیت خود روزانه ۶۰ میلیون متر مکعب گاز انتقال دهد و این میزان در سال دوم به ۹۰ میلیون متر مکعب و برای سال سوم به ۱۲۰ میلیون متر مکعب افزایش یابد. (۱۸) طرح خط لوله گاز ایران به پاکستان و هند در مرحله نخست به طول ۱۶۰۰ کیلومتر از منطقه عسلویه در جنوب ایران به ایالت سند پاکستان کشیده خواهد شد و در صورت اجرای مرحله دوم نیز حدوداً ۱۰۰۰ کیلومتر به طول خط لوله افزوده شده تا گاز تولیدی ایران را از ایالت سند پاکستان به هند منتقل کند.

۱.۱. جایگاه ایران در سیاست خارجی هند

ایران از منظر هند به واسطه شاخص‌های زیر دارای آنچنان جایگاهی است که ارزش برقراری مناسبات راهبردی دارد:

یک. دارای موقعیت ژئوپلیتیک بی‌همتایی است.

دو. در آسیا غربی قدرت منطقه‌ای مهمی است.

سه. کشوری است با منابع غنی نفت و گاز.

چهار. کشوری شیعی با علایق مذهبی خاص است.

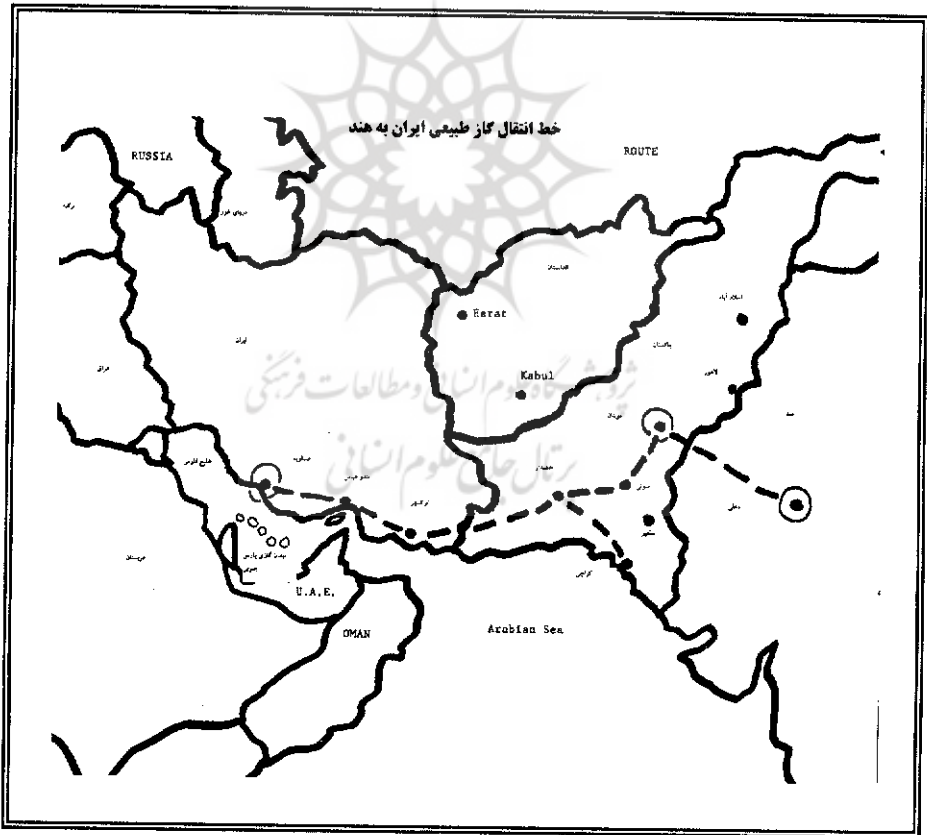
پنج. در جهان سوم متنفذ است.

بررسی تاریخچه مناسبات هند و ایران نشان می‌دهد که از دیدگاه سیاست خارجی هند، ایران کشوری است که ارزش برقراری مناسبات راهبردی را دارد؛ اما رأی اخیر این کشور در شورای حکام در محکومیت ایران نشان داد که ایران صرفاً در محیط بین‌المللی غیر رقابتی برای هند ارزشمند است. (۱۹) با تمام این مسائل هندوستان علاقمند خرید نفت و گاز ایران می‌باشد.

بنا بر مطالعات انجام گرفته در پروژه‌ای که میدان نفتی پارس جنوبی در منطقه عسلویه را به خط لوله گاز در ایالت گجرات هند متصل می‌کند، خط لوله‌هایی به عمق‌های ۹۰ سانتی‌متری تا ۱/۵ متری زیر زمین قرار می‌گیرد که به سامانه حسگر کابل‌های نوری، سامانه نمایشگر (مانیتورینگ) و پشتیبانی ماهواره‌ای مجهز خواهد بود و در هر ۱۵۰ کیلومتر تجهیزات تعمیراتی برای آن در نظر گرفته شده است. کارشناسان می‌گویند هرگونه آسیب به خط لوله را می‌توان ظرف دو تا سه روز رفع کرد. اگر رفع آسیب پیش‌آمده نیازمند زمان طولانی باشد، ایران گاز طبیعی مایع به هند خواهد رساند.

۷۶۰ کیلومتر از خط لوله ۲۷۷۵ کیلومتری انتقال گاز طبیعی به هند در کشور پاکستان قرار دارد و پیشنهاد شده که از مخازن گاز در دو کشور هند و پاکستان استفاده شود. (۲۰) هند در ازای خرید سالانه پنج میلیون تن گاز مایع طبیعی (ال ان جی)، امتیاز توسعه میدان نفتی جفیر و بخشی از میدان یادآوران را از ایران دریافت کرده است. توسعه میدان نفتی جفیر به طور کامل به هندی‌ها واگذار شده؛ اما سهم هندی‌ها در میدان نفتی یادآوران ۱۰ درصد است و

پیش‌بینی می‌شود در صورتی که آنان ۵/۲ میلیون تن بیش از میزان توافق شده در قرارداد از ایران گاز وارد کنند، سهم آنها در میدان نفتی یادآوران به ۲۰ درصد افزایش یابد. بازاریابی و فروش گاز برخلاف نفت بسیار مشکل می‌باشد و ایران برای غلبه بر این معضل و جلب مشتری، امتیازاتی برای خریداران در نظر گرفته است. در حال حاضر، صادرات گاز مایع به امتیاز دسترسی به میادین نفتی ایران وابسته شده و متقاضیان گاز مایع سعی می‌کنند در قبال خرید گاز به بخشی از منابع نفتی ایران دست یابند. معمولاً این کشورها با سرمایه خود از طریق قراردادهای بیع متقابل میادین نفتی را توسعه می‌دهند و از محل تولیدات آن هزینه‌های خود را جبران می‌کنند. (۲۱)



۲.۱. پاکستان

منافع اقتصادی برآمده از همکاری پاکستان و ایران در زمینه انتقال انرژی می‌تواند زمینه حل اختلاف و تضادهای گذشته دو دولت را در خصوص مسایلی چون افغانستان و اختلافات مذهبی شیعه و سنی فراهم کند و موجب دگرگونی در سیاست‌های منطقه‌ای آسیای جنوبی در راستای صلح شود. به همین دلیل، از خطوط لوله مذکور با عنوان لوله صلح نیز یاد شده و هرگونه مخالفت با پروژه مذکور مخالفت با صلح تعبیر خواهد شد.

اجرای خط لوله باعث صرفه‌جویی سالیانه ۲ میلیارد دلار برای هند و ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار درآمد ترانزیت برای پاکستان خواهد شد. (۲۲) همچنین، این کشور تا ۲۰۰ میلیون دلار گاز ارزان قیمت خریداری خواهد کرد. پاکستان علاوه بر عبور لوله‌های گاز ایران به هند به دنبال انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان نیز می‌باشد. به دلیل آنکه گاز هند به هر حال باید از پاکستان بگذرد، این کشور نگران تضمین‌های امنیتی پاکستان است. سران کشورهای افغانستان و پاکستان نیز در مذاکرات خود با طرف هندی علاقه‌مندی خود را برای ارسال گاز ترکمنستان از طریق خاک خود به اطلاع مقامات هندی رسانده‌اند. نیاز هند به گاز و ابراز تمایل جدی ایران و ترکمنستان برای احداث خط لوله که بسته به مسیر آن باید از پاکستان و افغانستان بگذرد، بازار رقابتی فشرده‌ای را ایجاد می‌کند.

بی‌گمان، اقدامات پاکستان سبب افزایش منزلت بین‌المللی این کشور خواهد شد به گونه‌ای که ضمن وابسته‌تر ساختن دشمن دیرینه به خود، افزایش درآمد این کشور را نیز در پی خواهد داشت.

۳.۱. افغانستان

در صورت انتقال گاز ترکمنستان به هند، افغانستان از جمله کشورهایی است که خطوط لوله از آن خواهند گذشت. حامد کرزای، رییس‌جمهور افغانستان، موضوع انتقال خط لوله گاز ترکمنستان به هند را که از مسیر افغانستان و پاکستان می‌گذرد، در ملاقات با مقامات هندی در میان گذاشته است. مقامات افغان بر این باورند که افغانستان از اجرای پروژه خط لوله گاز

صدها میلیون دلار سود خواهد برد و این میزان از سود برای کشوری با اقتصاد جنگ‌زده اهمیت بالایی دارد. به هر حال وضعیت امنیتی افغانستان با چالش‌های متعددی مواجه است. موضوع انتقال گاز ترکمنستان به هند در درجه نخست به خواست مشترک سه کشور ترکمنستان، افغانستان و پاکستان به منظور اجرای طرح مذکور برمی‌گردد. بدین منظور کمیته «تی ای پی» که اختصاری از حروف اول نام این کشورهاست، به وجود آمده است. کمیته مذکور که به کمیته تاپ مشهور است، پس از بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی افغانستان، جلسات متعددی با موضوع احداث خط لوله گاز ترکمنستان به هند در کشورهای مختلف برگزار کرده است. با تمام این مسایل، صرف نظر کردن هند از اجرای چنین طرحی مساوی با ناکامی کل پروژه است.

نتیجه آنکه، پیامدهای مثبت اجرای انتقال گاز ایران به هند از منظر اقتصادی و سیاسی برای هر سه کشور ابعاد راهبردی می‌یابد. اجرای این طرح برای ایران درآمد ارزی قابل توجهی دارد و در ارتقاء جایگاه منطقه‌ای آن نقش بسزایی ایفا خواهد کرد. تحقق این طرح در پاکستان و هند منجر به افزایش قابل توجه اشتغال، بهره‌وری و نهایتاً افزایش مزیت‌های اقتصادی آنها در مقابل رقبای منطقه‌ای خواهد شد. همچنین، فرآیند صلح میان این دو کشور را تحکیم و زمینه‌های برخورد این دو قدرت نوظهور هسته‌ای را به شدت کاهش می‌دهد. اگر این خط لوله ساخته شود، به اساسی‌ترین و پایدارترین وسیله ارتباط بین این سه کشور تبدیل خواهد شد. نیاز هند به منابع عظیم گازی و برنامه این کشور به منظور متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی باعث می‌شود که همه صادرکنندگان (قطر، ایران و ترکمنستان) از فرصت صدور گاز بهره‌مند گردند؛ (۲۳) هرچند تأمین‌کننده اصلی گاز هند، ایران خواهد بود.

۲. اتحادیه اروپا

پس از منطقه آمریکای شمالی، اروپا بزرگترین مصرف‌کننده گاز به شما می‌رود، کشورهای اروپایی به سبب حضور انحصاری گاز پروم روسیه و دشواری‌های برآمده از آن، علاقه مغرطی به تنوع‌بخشی به منابع وارداتی گاز دارند. بر این اساس، جامعه اروپا بررسی‌های گسترده‌ای را با هدف تحقق طرح واردات گاز از طریق خط لوله و ال‌ان‌جی ایران آغاز کرده است. (۲۴)

شرکت بزرگ گازپروم حدود ۲۵ درصد از گاز اروپای غربی را تأمین می‌کند که بیشتر آن از طریق اوکراین منتقل می‌شود. اقدام اخیر روسیه در قطع گاز اوکراین کشورهای اروپایی را به شتاب در مذاکرات خود با دیگر کانون‌های تولیدکننده گاز ترغیب خواهد کرد. مدیر عامل شرکت صادرات گاز ایران درباره مذاکرات ایران برای صادرات گاز به اروپا معتقد است که این مذاکرات در دو بخش گاز طبیعی مایع و خط لوله در حال انجام بوده و بعضی از قراردادهای ایران برای صادرات گاز مایع نهایی شده است؛ به طوری که از سال ۲۰۱۰، بیش از ده میلیون تن گاز به فرانسه و اسپانیا که قرارداد ایران با آنها نهایی شده، صادر خواهد شد. (۲۵) از سوی دیگر شرکت نفت و گاز اتریش به منظور تأمین بخشی از گاز مورد نیاز این کشور و کاستن از میزان وابستگی به گاز وارداتی از روسیه، در نظر دارد از سال ۲۰۰۸ ساخت این خط لوله را آغاز کند. انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۱ میلادی گاز ایران و کشورهای آسیای مرکزی از طریق این خط لوله به اروپای غربی منتقل شود. (۲۶)

ج. بازدارنده‌ها

نیاز شبه‌قاره هند به انرژی موضوعی حیاتی است و خط لوله گاز ایران در رفع این نیازها از اهمیت راهبردی برخوردار است که در صورت عملیاتی شدن تدابیر مرتبط با انتقال انرژی به این کانون‌های مصرف، افزایش منزلت ژئوپولیتیک ایران را در مناسبات ژئواکونومیک جهانی به دنبال خواهد داشت. در عین حال در راستای عملیاتی شدن چنین تدابیری، بازدارنده‌های مؤثری نیز وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۱. قدرت‌های فرامنطقه‌ای

نفت و امنیت در رأس علایق ایالات متحده در منطقه خلیج فارس قرار دارند و این دو مورد کاملاً با هم مرتبط هستند. حفظ وضعیت سیاسی موجود، زمینه‌ساز دسترسی آمریکا به عرضه نفت، بازار و مسیرهای ارتباطاتی است و پاسداری از سرمایه‌گذاری و دارایی‌های ایالات متحده در این منطقه به واسطه عامل امنیت محقق خواهد شد. (۲۷) در منطقه مزبور ایران در حال تبدیل شدن به تأمین‌کننده اصلی نفت و گاز طبیعی چین، هند و ژاپن است. این توان

تأمین‌گری، در مناسبات ژئوپولیتیک میان قدرت‌های جهانی در حوزه انرژی جایگاه اثرگذاری خاصی به ایران می‌بخشد. ابعاد ژئوپولیتیک انرژی در منطقه حساس خلیج فارس و دریای خزر در محاسبات راهبردی دولت آمریکا حساب ویژه‌ای دارد. بنابراین این کشور نمی‌تواند نسبت به پیامدهای ژئواکونومیک مناسبات انرژی بی‌تفاوت بماند.

از آغاز انقلاب تا کنون روابط ایران با آمریکا توأم با تنش بوده و یکی از ابزارهای تنبیهی آمریکا علیه کشورمان تحریم اقتصادی است. بر اساس قانون داماتو، هر شرکت خارجی که قصد شرکت در پروژه‌های گاز و نفت ایران را داشته باشد، تحریم می‌گردد. در سال ۱۳۸۴، بوش تحریم‌های اقتصادی ایران را برای یک سال دیگر، یعنی تا نوامبر سال ۲۰۰۶ تمدید کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای به کنگره اعلام کرد که مناسبات با ایران به حال عادی بازنگشته و حالت وضعیت فوق‌العاده با آن کشور باید ادامه یابد.

در خصوص انتقال گاز ایران به هند، آمریکایی‌ها نیک می‌دانند این خط لوله حدوداً ۲۷۰۰ کیلومتری، اقتصادی‌ترین راه برای رساندن گاز طبیعی از خلیج فارس به هند است و رشد اقتصادی بالای هند بدون وجود چنین منابع انرژی، از حرکت باز خواهد ایستاد. ایالات متحده به منظور جبران تأثیر منفی مخالفت خود با ایجاد خط لوله گاز از ایران به هند، پیشنهاد راکتورهای اتمی جدید را به آن کشور داده است. هرچند مقامات هندی هرگونه فشار آمریکا بر هند مبنی بر کناره‌گیری از پروژه خط لوله گاز ایران به هند را تکذیب کرده‌اند. به دیگر سخن، آمریکا خواهان تخلیه ایران از ظرفیت‌های استراتژیک خود می‌باشد. مقامات آمریکایی بر این باورند که تبدیل ایران به قطب استراتژیک و ترانزیتی خاورمیانه به زیان آن کشور است. (۲۸) خط لوله گاز ایران به هند و احتمالاً ادامه آن به شرق آسیا می‌تواند بستر ایجاد اتحاد میان قدرت‌های بزرگ در منطقه باشد و یا آنها را از آمریکا بی‌نیاز ساخته و آسیب‌پذیری آنها را کاهش دهد. (۲۹) از این‌رو به باور مقامات کاخ سفید، برای ممانعت از تبدیل ایران به چنین قدرتی باید اهتمام جدی صورت گیرد تا:

یک. خطوط لوله انرژی تا حد ممکن از خاک ایران عبور نکند، یا تا زمان تأمین

خواسته‌هایش به تعویق بیفتد.

دو. از طریق اعمال فشار ناشی از اعمال تحریم و ممانعت از سرمایه گذاری در صنایع هیدروکربنی ایران، این کشور از مهم‌ترین منبع صادرات خود در آینده یعنی گاز محروم گردد. سه. با علم به اینکه نیاز هیدروکربنی کشورهای پیشرفته با رشد اقتصادی بالا به نفت و گاز خلیج فارس افزایش خواهد یافت، کنترل این منطقه نقش کلیدی در کنترل دیگر مناطق استراتژیک جهان خواهد داشت.

ایران در چهار سال آینده باید دست کم ۶۰ میلیارد دلار سرمایه، عمدتاً از منابع خارجی، جذب کند تا بتواند به هدف جذب ۱۵۰ میلیارد دلار دست یابد. در غیر آن صورت، فرسودگی صنایع نفت از یک سو و روند رو به افزایش مصرف داخلی می‌تواند تمام تولید انرژی را به خود اختصاص دهد و چیزی برای صادرات که حیات اقتصاد ایران به آن وابسته است، باقی نخواهد ماند. نتیجتاً ایران نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و تحریم آمریکا خطر عدم سرمایه‌گذاری را به شدت افزایش داده است.

از دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای روسیه است. این کشور به منظور جلوگیری از نفوذ سیاسی آمریکا و یا برخورداری از مزایای این طرح کلان اعلام کرده که قصد دارد در پروژه ۷ میلیارد دلاری انتقال گاز ایران به هند از طریق مرزهای پاکستان، سرمایه‌گذاری نماید. (۳۰) هرچند روس‌ها در مناسبات خود نشان داده‌اند که با گرفتن چند امتیاز از آمریکایی‌ها حاضر به ترک صحنه خواهند بود. از این رو بیشتر به نظر می‌رسد آنها به دنبال نوعی سهم‌خواهی بوده یا با اختلال در روند مذاکرات چنانچه بتوانند خط لوله را از طریق ترکمنستان و افغانستان به هند ارسال دارند، در واقع در نقش یک رقیب وارد شوند.

۲. تنش‌های درون منطقه‌ای

مذاکرات مرتبط با خط لوله میان ایران و هند در سال ۱۹۹۴ آغاز شد، ولی تا کنون به دلیل تنش میان هند و پاکستان که از زمان استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۴۷ به وجود آمد، پیشرفت اندکی حاصل شده است. (۳۱) مسأله امنیت مسیر انتقال گاز و روابط هند و پاکستان نیز از چالش‌هایی است که هر دو پروژه انتقال گاز از ایران و ترکمنستان را تهدید می‌کند. پیشینه شش دهه روابط پرتنش هند و پاکستان، نگرانی مقامات هندی را از اجرای طرح انتقال گاز

ایران و ترکمنستان به دنبال دارد. هند به آسانی نمی‌تواند بپذیرد که گلوگاه انرژی‌اش از پاکستان بگذرد. هرچند که تلاش‌های هند و پاکستان برای کاهش تنش‌های مرزی و منطقه‌ای که در سال‌های اخیر ابعادی تازه یافته، امیدواری‌ها برای چشم‌انداز بهبود مناسبات دو کشور را تا سرحد عادی‌سازی روابط طرفین، تقویت کرده است.

مطمئناً پاکستان به واسطه درآمذزایی ناشی از ترانزیت لوله‌های گاز و برخورداری از نوعی موقعیت فرادستی در کانون مصرف و تولید، در صورت احداث این خطوط لوله تضمین کافی برای استفاده غیرسیاسی و غیرنظامی از آن را ارایه خواهد داد. از دیگر سو منافع برآمده از مناسبات تجاری کشورهای درگیر در موضوع انتقال انرژی، آنان را به سوی نوعی تشریک مساعی در کاستن تنش ناشی از بنیادگرایی و تروریسم خواهد کشاند.

۳. اختلاف در برآورد هزینه‌ها

شرکت استرالیایی بی اچ پی بیلیتون^۱ به همراه شرکت نفت ایران، مطالعات تفصیلی طرح خط انتقال انرژی را مطابق مقررات احداث این قبیل خطوط لوله، چهار میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. این در حالی است که هند و پاکستان این رقم را کارشناسی نشده دانسته و مبلغ هشت میلیارد دلار را پیش‌بینی کرده‌اند. دولت هند بر این باور است که افزایش ۱۰ درصدی نرخ ورق فولادی - که ماده اولیه این خط لوله است - در پنج سال آینده، هزینه احداث خط لوله را دو برابر خواهد کرد. هرچند به نظر می‌رسد که هزینه احداث خط لوله و مبلغ سرمایه‌گذاری در آن، ارتباط مستقیمی با قیمت گاز خواهد داشت، ولی هند و پاکستان سعی خواهند کرد که این مبلغ را بیش از حد واقعی نشان دهند تا به این وسیله بهای گاز کاهش یابد که در نتیجه هزینه پروژه به شش میلیارد و ۶۷۰ میلیون دلار کاهش خواهد یافت. (۳۲)

۴. پراکنش منابع تأمین انرژی در خلیج فارس

به دلیل آنکه ایران یگانه دارنده منابع هیدروکربنی به ویژه گاز نیست، کانون‌های مصرف دایره انتخاب گسترده‌ای می‌یابند. از دیگر سو به واسطه عدم برخورداری کشورهای کرانه

خلیج فارس از ثبات سیاسی لازم، مصرف‌کنندگان عمده انرژی که عموماً نیز کشورهای توسعه یافته یا با رشد اقتصادی بالا هستند، نمی‌توانند سرنوشت توسعه خود را به کشوری خاص گره بزنند. آنان از این رو، در فکر متنوع‌سازی کانون‌های تأمین‌کننده انرژی در حوضه خلیج فارس، دریای خزر و آسیای مرکزی‌اند. مرکزیت ایران در بیضی انرژی جهان و جایگاه محوری این کشور در حوزه انرژی سبب شده که تصمیم‌گیران حوزه کلان سیاست خارجی، سعی در به تقابل کشاندن قدرت‌های جهانی داشته باشند؛ ولی چنین سیاستی در جهان تک قطبی کنونی کامیابی چندانی نخواهد داشت. برای نمونه جمهوری اسلامی ایران کوشیده از طریق وابسته کردن چین به گاز طبیعی، ضعف خود را در بخش نفت در تأمین انرژی چین تعیین‌کننده‌تر کند. در همین راستا در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۴ یادداشت تفاهمی بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار میان ایران و چین به منظور توسعه میدان گازی بزرگ یادآوران امضا شد که یکی از بزرگترین معاملات کشورمان با شرکت‌های خارجی است. این در حالی است که دولت چین بنا بر مصالح اقتصادی و امنیت انرژی خود، توسعه مناسبات با همه کشورهای منطقه را دنبال می‌کند و به منظور جلوگیری از بروز بحرانهای احتمالی، منابع تأمین انرژی خود را پراکنده نموده است. از این رو ایران با تمام ویژگی‌های ژئوپولیتیک‌اش آنقدر ارزش خطرکردن ندارد که چین (و یا هر کشور دیگر) به خاطر آن خود را در تقابل حاد با آمریکا قرار دهد. (۳۳)

نتیجه‌گیری

گاز یکی از پرکاربردترین انرژی‌های سده کنونی خواهد بود. آمارها نشانگر توجه روز افزون به بهره‌گیری از این انرژی است. با اهمیت‌یابی گاز در سبد انرژی جهان و کاهش میزان نفت در دهه‌های آینده، گاز جایگزین نفت خواهد شد. در مناسبات ژئوپولیتیک قدرت‌های جهانی، قدرتی توان اثرگذاری عمیق‌تر در مناسبات بین‌الملل خواهد داشت که بر کانون‌های تولید و مسیر آنها چیرگی داشته باشد. خلیج فارس از زمان کشف نفت تا کنون همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین کانون‌های تأمین انرژی مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. ایران در مقام دارنده دومین منابع گازی جهان در مناسبات امنیتی مرتبط با حوزه انرژی، موقعیت بی‌همتایی دارد. با توجه به نیاز کشورهای جنوب خاوری آسیا به ویژه هند به گاز،

ایران می‌تواند جایگاه راهبردی در تأمین انرژی این کشورها داشته باشد. چنین موقعیتی، لزوماً به این معنا نخواهد بود که در شرایط رقابتی نیز این جایگاه استراتژیک مورد عنایت قدرت‌های جهانی در ساختار تک قطبی فعلی قرار گیرد. از این رو واگذاری هرگونه امتیاز به قدرت‌های غیرهژمون تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی است.

در صورت تدوین دستور کار ژئوپولیتیک، ایران می‌تواند اثرگذاری بالایی در مناسبات استراتژیک جهانی درحوزه انرژی داشته و ارزش برقراری مناسبات راهبردی را پیدا کند که تحت این شرایط دست کم باید به کاهش تنش با قدرت هژمون پردازد. زیرا عملیاتی‌ساختن چنین راهبردهایی نیازمند تأمین منافع استراتژیک در رقابت با قدرت هژمون است. مشکلات و مسایل داخلی نیز به ایران اجازه نخواهد داد که به تداوم تنش‌ها علاقه‌مند باشد. باید توجه داشت که ایران صرفاً در محیط بین‌المللی غیررقابتی برای قدرت‌های غیرهژمون ارزشمند است؛ از این رو باید به تدوین دستور کاری مبتنی بر ملاحظات ژئوپولیتیک پردازد که پاسخگوی مشکلات و مطالبات ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد و در این صورت می‌تواند منافع ملی‌اش را با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود تأمین کند.

یادداشت‌ها

۱. قاسمی، فرهاد، «تأثیر ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل بر پدیده نظم در سیستم تابع خلیج فارس»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره هفتم و هشتم، ۱۳۸۲، ص ۵۱.
۲. محمدی، فرهاد، «نقش ایران در صادرات گاز خلیج فارس»، *ماهنامه اقتصاد انرژی*، آبان ۱۳۸۰، ص ۳۲.
۳. بخش تحقیق و توسعه شهری، *چین دومین مصرف‌کننده جهان*، ۱۳۸۴، صص ۴ و ۳.
۴. بهجت، جودت، «ژئوپولیتیک گاز طبیعی در آسیا»، ترجمه ناصر تیموری، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۸۳-۱۸۴، ص ۶۲.
۵. «تخریب لایه اوزون گرم شدن کره زمین»، *روزنامه همشهری*، سه شنبه ۸ آذر ۱۳۸۴، ص ۵.
۶. «نقش ایران در صادرات گاز خلیج فارس»، پیشین.
7. <<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/russia.html#gas>>
8. <<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=135535>>
9. <http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2004/02/040228_he-ag-iraniangas.shtml>
۱۰. کرباسیان، مهدی، مدیر عامل سازمان منطقه‌ای ویژه اقتصادی انرژی پارس. (گفتگو)، *ماهنامه اقتصاد ایران*، شماره ۷۸، مرداد ۱۳۸۴، ص ۲۸.
11. <<http://sharifnews.ir/2220>>.
12. <<http://WWW.POGC.org>>
13. <<http://www.donya-e-eqtasad.com/84-07-11/110711.htm>>
14. <http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/2005/02/050219_ra-kharazi-india-gas.shtml>
15. <<http://www.donya-e-eqtasad.com/84-07-11/110711.htm>>
۱۶. «خطوط لوله نفت»، *ماهنامه اقتصاد ایران*، به نقل از روزنامه میسنگان، ش ۸۰، مهر ۱۳۸۴، ص ۸۷.
۱۷. همان
18. <<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=173507>>
۱۹. شفیع، نوذر، «هند در برابر ایران در شورای حکام»، *نمای راهبردی*، سال سوم ش ۵، مهر ۱۳۸۴، ص ۸.
20. <<http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2005/07/050714-ra-iran-pipeline.shtml>>
21. <<http://www.donya-e-eqtasad.com/84-07-11/110711.htm>>
۲۲. «خطوط لوله نفت»، پیشین.
23. <http://www.bbc.co.uk/persian/tajikistan/story/2005/02/050226_ra-india-gas.shtml>
24. BP Amoco, *Soical Review of World Energy Projection*.
۲۵. *ماهنامه اقتصاد ایران*، سال هفتم، شماره ۷۸، مرداد ۱۳۸۴، ص ۱۰.

26. <<http://www.hamvatansalam.com/news51488.html>>.
27. <<http://www.kayhannews.ir/841008/4.htm#other401>>.
۲۸. نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳.
۲۹. یزدان‌فام، محمود، آمریکا و خط لوله گاز ج.ا.ایران به هند، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴، ص ۸.
30. <<http://www.iran-embassy.org.in/More-eventsf.asp?ID=73944> - k <http://www.baztab.Com/news/30986.php>>.
31. <http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2005/07/050714_ra-iran-pipeline.shtml>.
32. <<http://www.baztab.com/news/30986.php>>.
۳۳. قنبرلو، عبدالله، چین و نقش آن در آینده خلیج فارس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، خرداد ۱۳۸۴، ص ۱۳.





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی